

طواف نساء امامیان و طواف وداع سنیان؛ گسسته‌ها و پیوسته‌ها

سید حامدحسین هاشمی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۵)

چکیده

از جمله مهم‌ترین اعمال موجود در پایان مناسک حج امامیه، طواف نساء است. این در حالی است که فقیهان مذاهب مهم اهل سنت، طواف دیگری به نام طواف وداع را واجب می‌انگارند. نسبت سنجی و موازنه میان این دو طواف و بازنگری ویژگی‌های آن دو از دریچه‌های مختلف، مسئله‌ای است نیازمند پژوهش که به‌رغم کارکردهای فراوان در شکل‌گیری تصویری هر چه بهتر از باورهای فقهی هر یک از مذاهب اسلامی و پاسخگویی به پرسشهای پیرامون یگانه یا دوانگاری این طوافها، از دایره قلم‌زنی دانشیان و فقه‌پژوهان مسلمان به دور مانده است. نوشتار پیش رو، با مطالعه‌ای تطبیقی سعی در برجسته نمودن تقابلات و تعاملات این دو طواف داشته است. روشن شدن تفاوت‌هایی همچون عنوان، زمان شروع عمل، مکلفان دو طواف، وجوب در عمره مفرده و آثار این دو که مانع از یگانه انگاشتن این دو طواف می‌گردد، علی‌رغم وجود شباهتهایی در نحوه اجرا، شرایط و واجبات، عمومیت و نوع وجوب، از جمله نتایج این بحث است.

کلیدواژه‌ها: طواف نساء، طواف وداع، امامیه، اهل سنت، تفاوت‌ها، شباهتها.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی / hamedhashemi91@ut.ac.ir

طرح مسئله

از جمله موارد به ظاهر اختلافی میان مذاهب اسلامی، نحوه انجام عمل حج و عمره است. عرصه‌ای که می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل وحدت میان مسلمین نقش‌آفرینی کند، با انگاره‌ها و تصوراتی نادرست از باورها و گونه عمل دیگر مذاهب، رنگ نفاق و جدایی به خود گرفته است. یکی از مهم‌ترین اختلافات در این میان، آخرین طواف واجب در خلال اعمال حج و عمره است. یکی از اعمال و مناسک مهم در حج و عمره امامیه، «طواف نساء» است. این طواف آخرین عمل لازم برای حاج و معتمر پس از پایان دیگر مناسک است. آنچه این عمل را در نزد فقهای امامیه و به تبع آن نزد پیروان این مکتب، بیش از دیگر مناسک حج مهم جلوه می‌دهد، آثار مترتب بر انجام این طواف نزد امامیه است.

امامیه همچون اهل سنت بر این باور است که پس از احرام بستن حاج و معتمر و شروع عملیات حج و عمره، انجام اعمال چندگانه‌ای بر او حرام می‌گردد و او حق انجام هیچ یک از آنها را تا پایان مناسک حج و جایگاههای تحلل آنها ندارد. یکی از محرمات احرام، التذاذات جنسی به‌گونه عام آن است که شامل تمام موارد بهره‌مندیهای جنسی می‌گردد، بدین بیان که شخص نمی‌تواند در طول روزهای برگزاری مراسم حج به تمتعات جنسی دست یازد. بر اساس فقه امامیه این وضعیت تا پایان عمل طواف نساء به حال خود باقی است و تنها پس از پایان طواف و نماز طواف نساء است که شخص اجازه انجام چنین اموری را کسب می‌کند.

در فقه اهل سنت از طواف نساء به عنوان یک عمل مستقل و در عرض دیگر اعمال و مناسک حج و عمره نامی برده نشده است؛ از این رو فقهای اهل سنت پس از پایان مناسک اصلی حج، حکم به حلیت تمامی محرمات حرام‌گشته با احرام می‌کنند (شافعی، ۱۳۹۳ق، ۲۱۵/۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق، ۴۶۵/۴؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۲۱ق، ۳۹۲/۴). از سوی دیگر در میان مذاهب معروف اهل سنت، سه مذهب حنفیه، شافعیه و حنبلیه طوافی را به عنوان «طواف وداع» در پایان مراسم و مناسک حج واجب می‌دانند (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ۶۱/۴؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ۲۷۴/۶؛ ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۴۰۳/۳؛ زحیلی، بی‌تا، ۵۱۹/۳).

همانندی فروان این دو طواف، در عین تفاوت اسمی آنها، دو پرسش را در ذهن تداعی می‌کند: نخست آنکه آیا طواف وداع اهل سنت همان طواف نساء امامیه است که بسان برخی دیگر از موضوعات مشترک، نقاب اختلاف به خود گرفته است؟ دو دیگر آنکه این دو طواف چه نقاط مشترکی دارند و مرزهای جدایی هر یک از دیگری کدام است؟

پاسخ به این پرسشها نقش مهمی در شکل‌گیری تصویری هرچه شفاف‌تر از نحوه عمل اهل سنت و امامیه دارد و می‌تواند بازنگری در اختلاف نظر میان مذاهب اسلامی در خصوص

طواف نساء و وداع و نیز تأمل در برخی انگاره‌های ناروا درباره دیگر مذاهب اسلامی را نتیجه دهد.

بدیهی است یافتن پاسخی مناسب و روشن برای سؤال دوم، در بخشهای بسیاری پرسش نخست را نیز جوابگو خواهد بود؛ از این رو در این جستار پژوهش را بر جستجوی پیوسته‌ها و تفاوت‌های این دو طواف با هم، آن هم از طریق جستجو در منابع فقهی معتبر نزد هر یک از مذاهب اسلامی بنا می‌گذاریم.

ساختار و پیشینه بحث

قدم نخست در این زمینه، یافتن گسسته‌های اساسی و بنیادینی است که این دو طواف نسبت به هم دارند و آنها را از زاویه‌های گوناگون متمایز می‌سازد. این تفاوتها شامل مواردی همچون نام، زمان انجام، دایره مکلفان، نحوه انجام، نوع وجوب و... است.

بخش بعدی این نوشتار به بررسی پیوسته‌های این دو طواف می‌پردازد و با ذکر شباهتهای موجود میان آن دو، سعی در برجسته نمودن جایگاه هر یک نسبت به دیگری دارد.

روشن است که به دلیل گوناگونی نظرها و وجود تفاوت‌های بسیار در شماری از مباحث، امکان بررسی موضوع با توجه به تمامی اقوال و نظرها وجود نخواهد داشت؛ از این رو تحلیل و بررسی در این جستار بر اساس نظر مشهور و فتوای غالب در هر یک از مذاهب و بر پایه مهم‌ترین کتابها و منابع انجام می‌گیرد.

گام پسین این پژوهش تلاش برای برقراری موازنه میان هر یک از گسسته‌ها و پیوسته‌های موجود و پاسخگویی به سؤالات آغازین این جستار است.

ذکر این نکته لازم است که صرف نظر از سهم بسیار اندک مطالعات تقریبی «فقه الحج» همچون دیگر مطالعات فقه مقارن و بلکه بیش از آنها، موضوع جستار حاضر به شکل خاص، در آثار فقه پژوهان متقدم و معاصر امامیه و اهل سنت یافت نشد؛ از همین رو افزون بر فواید کلی مطالعات فقهی مقارن، نو بودن موضوع در کنار ارائه تصویری روشن‌تر از نحوه عمل هر یک از مذاهب اسلامی در اعمال حج و به‌طور خاص در زمینه عمل طواف نساء، آن‌سان که بتواند منجر به کشف رهیافت‌هایی در زمینه کارکرد طواف وداع سنیان در حلیت زنان گردد، از جمله نوآوریهای پژوهش حاضر به شمار می‌رود.

۱. تفاوتها

در این بخش برآنیم تا بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه و اهل سنت و بررسی اقوال آنان در کتب فقهی فریقین، مطالعه‌ای مقارن و موازنه‌ای میان دو طواف نساء و وداع انجام داده، آن دو را از

دریچه‌های مختلفی همچون عنوان، زمان، موارد وجوب، مکلفان، شرایط وجوب، ادله، کیفیت عمل و آثار به نظاره بنشینیم.

۱-۱. عنوان

اولین تفاوتی که میان طواف نساء در امامیه و طواف وداع در اهل سنت مشاهده می‌شود و همین تفاوت هم شکل‌دهنده تصور و انگاره اختلاف و افتراق عظیم این دو گشته است. تفاوت در عنوان است؛ چه اینکه امامیه آن را طواف نساء می‌خوانند و اهل سنت نام طواف وداع بر آن می‌نهند. گمان می‌رود که بازگشت تفاوت عنوان در این دو طواف، به نوع اثر یا آثاری که هر یک از این دو گروه بر آنان مترتب می‌دانند، باشد؛ چنان‌که امامیه آن را طواف نساء می‌نامند، از آن‌رو که به وسیله آن، حلیت نساء پس از حرمت آن به وسیله احرام حاصل می‌گردد (حلی، ۱۴۱۴ق، ۳۵۲/۸؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ۳۶۴/۱۱) و اهل سنت آن را طواف وداع یا طواف صدر می‌خوانند، از آن‌رو که در هنگام وداع یا صدور حجاج انجام می‌گردد (سرخی، ۱۴۲۱ق، ۶۱/۴؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ۲۷۴/۶؛ ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۴۸۹/۳؛ زحیلی، بی‌تا، ۵۱۹/۳).

در اینجا لازم است نگاهی به اولین استعمالات این عناوین در میان امامیه و اهل سنت داشته باشیم. در امامیه اولین بار نام طواف نساء در کتاب *فقه الرضا* منسوب به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آمده است (فقه الرضا، ۱۴۰۶ق، ۲۱۴). در این کتاب چهار بار عنوان طواف النساء آمده و احکام مربوط به آن بیان شده است (همان، ۲۱۴، ۲۲۶، ۲۲۷ و ۲۳۰). پس از آن اولین کتاب معتبر فقهی در امامیه که نام طواف نساء در آن برده شده، کتاب *مسائل علی بن جعفر* است (عریضی، ۱۴۰۹ق، ۱۰۳) که نسبت به منبع پیشین از اعتبار بیشتری برخوردار است؛^۲ از این‌رو بهتر آن است که اولین کتاب فقهی را که عنوان طواف نساء در آن برده شده است، همان کتاب *مسائل علی بن جعفر* بدانیم.

در اهل سنت بر اساس کاوشهای انجام‌گرفته به نظر می‌رسد که می‌توان کتاب *الموطأ* مالک را اولین کتاب دربردارنده عنوان طواف وداع دانست (مالک، ۱۴۱۳ق، ۲۹۲/۲). این مطلب خبر از تفاوت اسمی این دو عمل، از همان سالهای نخستین شکل‌گیری هر یک از مذاهب اسلامی می‌دهد.

۲. پیرامون کتاب *فقه الرضا* و اعتبار آن، اقوال و اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد که مانع از استناد محکم و قوی می‌گردد (ر.ک: استادی، ۱۳۶۲ش).

۱-۲. زمان

۱-۲-۱. زمان شروع عمل

بر اساس اقوال فقهای امامیه، طواف نساء در حالت اختیار پس از پایان دیگر مناسک حج لازم‌الاجرا می‌گردد (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۲۰۷؛ کیدری، ۱۴۱۶ق، ۱۵۵) و در صورت ضرورت، قبل از دو وقوف نیز قابل انجام است (حلی، ۱۴۱۲ق، ۴۳۰/۱۰)؛ اما در میان اهل سنت طواف وداع درست زمانی ضرورت انجام می‌کند که شخص قصد وداع با خانه خدا را داشته باشد (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ۶۱/۴؛ ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۴۸۹/۳؛ فیروزآبادی شیرازی، ۱۴۰۳ق، ۷۹/۱؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ۵۰۰/۱؛ زحیلی، بی‌تا، ۵۱۹/۳) که ممکن است این زمان بدون فاصله با پایان دیگر مناسک باشد و ممکن است با آن فاصله‌ای حتی چندروزه داشته باشد. به هر روی یکی از تفاوت‌های میان طواف نساء و طواف وداع در زمان شروع و وجوب آن است که در طواف نساء، منسجم‌تر و منظم‌تر و در طواف وداع نامعلوم و نامشخص و منوط به قصد شخص مکلف است.

۱-۲-۲. زمان اجزاء

مطلب دیگر پیرامون تفاوت‌های زمانی این دو طواف، در زمان مجزی بودن انجام آنهاست. برای فهم بهتر این مطلب لازم است گفته شود که هر یک از طواف‌های نساء و وداع در زمانی مشخص جواز انجام و اجرا پیدا می‌کنند که این زمان در هر دو، بعد از پایان مناسک و اعمال و وقوفین است؛ اما این جواز تا چه وقت ادامه دارد و تا چه زمانی می‌توان آن را انجام داد؟

در امامیه این زمان حتی پس از بازگشت حاجی به وطن خویش ادامه دارد و او در صورتی که این طواف را انجام نداده باشد، در صورت امکان باید خودش آن را انجام دهد یا آنکه شخص دیگری را به عنوان نایب مأمور انجام این طواف نماید (حلی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۵؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۶۳۸/۱؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۲۰۴/۴). البته در برخی منابع هم سخن از قضای طواف نساء در صورت از دنیا رفتن شخص پیش از انجام طواف توسط خود او یا نایبش آمده است (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷ق، ۲۵۵/۵). در هر صورت کفاره‌ای که در فقه امامیه بر ترک این طواف مترتب است، تا زمان نزدیکی و بهره‌مندی جنسی بر شخص واجب نمی‌شود؛ حتی اگر این امر با فاصله‌ای بسیار طولانی از پایان مناسک حج و بازگشت حجاج صورت بگیرد.

در اهل سنت زمان جواز انجام طواف وداع تا زمان عبور شخص مکلف از میقات یا به مقدار مسافتی که مسافر محسوب گردد و نمازش شکسته شود، در راه بازگشت به وطن برای اهل آفاق یا در مسیر سفر دیگر برای اهل مکه باقی است (ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۴۸۹/۳؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ۲۷۴/۶؛ شافعی، ۳۹۳ق، ۱۹۷/۲). پیش از این زمان، در هر مکانی که شخص به یاد آورد که طواف وداع را انجام نداده است، می‌تواند برگردد و آن را به جا بیاورد (همان). بر این اساس اگر

شخص از میقات یا حد ترخص عبور کند و التفاتی به عدم انجام طواف وداع پیدا نکند و در نتیجه برای انجام آن باز نگردد، باید در ازای ترک طواف وداع یک گوسفند قربانی نماید (همان).

۱-۳. وجوب در عمره مفرده

می‌دانیم که طواف نساء و وداع فی‌الجمله در برخی از اقسام حج و عمره واجب هستند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا در تمام انواع حج و عمره که طواف نساء واجب است، طواف وداع هم واجب است و بالعکس یا خیر؟ بررسی این مسئله می‌تواند منتهی به فهم تفاوتها و شباهتهایی میان این دو طواف در ناحیه موارد وجوب آن دو گردد.

بر اساس قول مشهور فقهای امامیه، این طواف در مجموعه اعمال تمامی اقسام حج و عمره مفرده به چشم می‌خورد و تنها عمره تمتع است که طواف نساء در آن وجود ندارد (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۲۵۵؛ طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷ق، ۲/۳۶۳؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۷/۱۳۵؛ سیزواری، ۱۴۲۳ق، ۱/۳۳۶؛ سیزواری، ۱۲۴۷ق، ۲/۶۴۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۷/۲۸۳؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۴/۳۰۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ۳/۵۸۹). این مطلب در رابطه با حج قران و افراد نیز صادق است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱/۲۱۳)؛ البته برخی هم انجام طواف نساء را در عمره تمتع موافق احتیاط می‌دانند و برخی دیگر از فقهای امامیه، قائل به وجوب آن گشته‌اند (مجلسی، ۱۴۱۴ق، ۸/۱۶۷) و در نهایت عده‌ای دیگر هم قائل به عدم وجوب آن در دو قسم عمره مفرده و تمتع شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۹/۴۰۶). آنچه مهم است اینکه اکثر فقهای امامیه در عمره تمتع طواف نساء را واجب نمی‌دانند.

فقهای اهل سنت انجام طواف وداع را اگرچه در اقسام مختلف حج به شرط قصد وداع و خروج حاج، واجب می‌دانند، در عمره مفرده، وجوبی برای طواف وداع قائل نیستند (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ۴/۶۱؛ عثیمین، ۱۴۲۸ق، ۷/۳۹۸). ذکر این نکته لازم است که بسان دیگر مباحث فقهی، در این مسئله هم رأی مخالف وجود دارد و عده‌ای از فقهای اهل سنت در عمره مفرده هم طواف وداع را واجب می‌دانند (کاسانی، ۱۹۸۲م، ۲/۲۲۷؛ عثیمین، ۱۴۲۸ق، ۷/۳۹۸)؛ اما چنانچه گفته شد، نظر مشهور استحباب و عدم وجوب آن در عمره مفرده است.

با توجه به این مطالب می‌توان یکی از تفاوت‌های موجود میان طوافهای نساء و وداع را در وجوب طواف نساء در عمره مفرده و عدم وجوب طواف وداع در این عمره دانست.

۱-۴. مکلفان طواف نساء و وداع

اولین تفاوت موجود در این قسمت در زمینه زنان حائض است. در امامیه طواف نساء بر تمامی مکلفانی که اعمال حج انجام می‌دهند، بدون هیچ‌گونه استثنائی واجب است. تنها تخفیفی که در این زمینه داده شده است، برای دو گروه مضطربین و زنان حائض است که برخی احکام سهل‌تر

بدانها اختصاص یافته است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱/۳۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ۲۴۱؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۱/۵۷۵؛ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۰۸).

مهم‌ترین این احکام، جواز تقدیم طواف نساء بر دیگر اعمال و وقوفین است (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۱/۵۷۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱/۲۴۶؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۴/۲۰۷؛ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۰۹)؛ بر این اساس اگر زن بداند که در صورت رفتن به عرفات و وقوف در آنجا یا در هنگام وقوف در منا و در روز عید حیض خواهد شد و اعمالش ناقص می‌ماند، می‌تواند پیش از آنکه به سمت عرفات حرکت کند، طوافها و سعی‌اش را انجام دهد. همچنین اگر زن قبل از وقوف در عرفات مطلع نشود و در همان هنگام وقوف در عرفات یا منا حائض گردد، با توجه به اینکه طوافها و سعی‌اش را انجام نداده است و برای طواف هم طهارت لازم است، وظیفه این شخص گرفتن نایب است تا طوافها را برای او انجام دهد. از آنجاکه در سعی صفا و مروه طهارت شرط نیست، زن می‌تواند سعی را با رعایت ترتیب انجام دهد؛ بدین‌صورت که ابتدا مطمئن شود که نایبش طواف زیارت و نماز آن را انجام داده است، سپس خود سعی را انجام دهد و در ادامه نایب، طواف نساء و نماز آن را انجام دهد (فلاح زاده، ۱۳۷۸ش، ۱۸۳).

استدراکی که در این قسمت وجود دارد، درباره زنی است که وقوفین را سپری کرده و از مناسک خود تنها طواف نساء را انجام نداده است و در حال انجام نساء، پس از اتمام چهار شوط طواف حیض می‌گردد. فقهای امامیه درباره این زن حکم به کفایت همان مقدار طواف داده‌اند و گرفتن نایب برای او یا اعاده طواف را لازم ندانسته‌اند (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷ق، ۵/۳۹۷؛ ابن‌حزمه، ۱۴۰۸ق، ۱۹۲)؛ البته در برخی روایات درباره زنی که طواف نساء انجام نداده است و همسفران و کاروان او در حال رفتن هستند، حکم به اتمام حج و عدم نیاز به طواف نساء داده شده است (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ۹/۵۰۰). برخی از فقهای امامیه بر اساس همین روایات حکم صادر کرده‌اند (حلی، ۱۴۰۵ق، ۲۰۰).

در میان اهل سنت وجوب طواف وداع از زنان حائض به‌طورکلی برداشته شده است (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ۴/۶۱؛ شافعی، ۱۳۹۳ق، ۲/۱۹۷؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ۶/۲۷۴؛ ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۳/۴۸۹). پشتوانه این حکم همان روایتی است که اصل وجوب طواف وداع را ثابت می‌نماید؛ البته بر اساس نقلی که به صیغه مجهول وارد شده است (بخاری، ۱۴۰۷ق، ۲/۶۲۴).

تفاوت دیگری که میان طواف نساء و طواف وداع در قسمت مکلفان وجود دارد، درباره محل سکونت حجاج است. فقهای امامیه تمامی افراد حاضر در مناسک حج را موظف به انجام طواف نساء می‌دانند؛ حال آنکه مشهور فقهای اهل سنت، طواف وداع را تنها بر آفاقیها و کسانی که اهل مکه نیستند یا قصد اقامت در آن را ندارند، واجب می‌دانند (همان)؛ البته این در صورتی است که

آنان قصد خروج از مکه را نداشته باشند؛ در غیر این صورت چه بر اهل مکه و چه غیر آنان این طواف واجب خواهد بود (زحیلی، بی تا، ۵۱۶/۳).

استدلال امامیه، چه در قسمت قبل و چه در این زمینه، شمول ادله وجوب طواف نساء بر تمامی افراد و اقشار است. اهل سنت با این دلیل که برای شخصی که مقیم شهر مکه است یا قصد اقامت دارد، وداع صدق نمی‌کند، وجوب این طواف را از آنان ساقط می‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ۴۸۹/۳).

۱-۵. ادله

هر گروه از فقهای امامیه و اهل سنت، برای اثبات وجوب طواف نساء و وداع از ادله فقهی برگرفته از منابع معتبر فقه نزد هر فرقه بهره برده‌اند. با موازنه و مقایسه میان این ادله، برخی تفاوت‌های میان این دو طواف از منظر ادله اثباتگر هر کدام به شکل زیر هویداتر می‌گردد.

استدلال امامیه برای وجوب طواف نساء در قسمت سنت، بر اساس باورهای کلامی و اعتقادی آنان و بر پایه احادیث و روایاتی است که از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام صادر گشته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵۱۲/۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۵۵۳/۲). این در حالی است که پشتوانه استدلال اهل سنت در وجوب طواف وداع، روایت معروفی است که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به طرق مختلف روایت گشته است (شافعی، ۱۳۹۳ق، ۱۸۰/۲؛ انصاری، ۱۴۱۸ق، ۲۵۷/۱).

استدلال دیگری که برخی بزرگان از فقهای امامیه همچون شیخ الطائفه در جهت اثبات وجوب طواف نساء را ذکر کرده‌اند، اجماع امامیه بر وجوب این طواف است (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷ق، ۳۶۳/۲).

در میان فقهای اهل سنت، فقهی که به طور صریح اجماعی بودن وجوب طواف وداع را جزئی از ادله وجوب آن بداند، یافت نشد. آنان در بسیاری موارد صرفاً گزارشی از رأی اکثریت و جمهور علمای اهل سنت بر وجوب طواف وداع داده‌اند (زحیلی، بی تا، ۵۱۹/۳؛ بخاری قنوجی، بی تا، ۲۷۲/۱؛ البحوث العلمیه، ۱۴۲۳ق، ۴۶۲/۷)؛ از این رو اگر این گزارش را نوعی استدلال آنان در جهت اثبات وجوب طواف وداع نخوانیم، می‌توان یکی از تفاوت‌های میان این دو طواف در قسمت ادله را بهره‌گیری طواف نساء از دلیلی به نام اجماع و استفاده نکردن دیگری از این دلیل دانست.

۱-۶. کیفیت عمل

نحوه انجام دو طواف نساء و وداع در امامیه و اهل سنت از مشترکات و شباهتهای بسیاری برخوردار است. این همانندی تا بدانجاست که شبهه وحدت و یگانگی این دو طواف را در عین تغایر عنوان در ذهن ایجاد می‌کند؛ با این حال این دو طواف تفاوت‌هایی هم در نحوه انجام دارند.

نخستین تفاوت در این قسمت درباره نحوه نیت شخص در هنگام شروع عمل است؛ چه اینکه در طواف نساء شخص نیت می‌کند که طواف نساء انجام دهد و در طواف وداع شخص نیت می‌کند که طواف وداع انجام دهد. واضح است که این تفاوت در نیت، ریشه در تفاوت عنوان در این دو طواف دارد؛ لذا اگر فرض را بر این می‌گذاشتیم که نام این دو طواف یکسان بود، همانند آنچه در مورد طواف زیارت جریان دارد، هیچ‌گونه تفاوتی میان این دو طواف از ناحیه نیت عمل پدیدار نمی‌گشت.

تفاوت مهم دیگری که در این قسمت ذکر آن لازم به نظر می‌آید، مربوط به بحث نماز طواف در هر یک از طوافهای نساء و وداع است. فقهای امامیه بر لزوم انجام نماز طواف نساء، پس از پایان خود آن اتفاق نظر دارند (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ۲۵/۲۵۴). در میان اهل سنت در مورد نماز طواف وداع دو قول وجود دارد، عده‌ای قائل به وجوب آن هستند. مستند این قول روایتی است از رسول خدا ﷺ که فرمودند: «ولیصل الطائف لکل اسبوع رکعتین»: شخص طواف‌کننده برای هر شوط دو رکعت نماز بگذارد. مشابه این روایت در منابع امامیه نیز وارد شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۳/۳۷۰).

شمار دیگری از فقهای اهل سنت علی‌رغم قبول وجوب نفس طواف وداع، قائل به استحباب نماز آن هستند (جزیری، ۱۴۰۶ق، ۱/۶۵۴)؛ گرچه از کلمات برخی فقهای شافعی مذهب چنین بر می‌آید که آنان نماز طواف را به‌طور کلی مستحب می‌دانند (عیطه، بی‌تا، ۱/۷۵۸). در امامیه به‌صورت شامل و عام گفته می‌شود که محل انجام نماز طواف باید حتماً پشت مقام ابراهیم باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۹/۳۱۴). این در حالی است که در اهل سنت، حتی قائلان به وجوب نماز طواف، انجام آن را در هر جایی از مسجدالحرام، جایز می‌دانند (جعفرپیشه‌فرد، ۱۳۸۸ش، ۳۷۷)؛ اگرچه انجام نماز پشت مقام ابراهیم نزد آنان نیز با فضیلت‌تر از دیگر مکانهاست (عیطه، بی‌تا، ۱/۷۵۸).

برخی دیگر از تفاوت‌های میان دو طواف نساء و وداع اختصاص به این دو طواف ندارد و در تمامی اقسام و انواع طوافهای مشروع مشاهده می‌گردد. برخی از این تفاوتها پیرامون نحوه پوشش در هنگام طواف، برخی دیگر مربوط به مطاف و حدود آن است و برخی دیگر هم به مسائلی بسیار جزئی‌تر نظیر جواز انجام طواف در بالای بام کعبه می‌پردازد (همان، ۱/۳۷۱-۳۷۷). بررسی یکایک این تفاوتها که میان انواع طوافهای مشروع نزد مذاهب اسلامی مشترک هستند، از حوصله نوشتار پیش‌رو خارج است و پرداختن به آنها، نوشته را به مسیری غیر از اهداف مطلوب آن هدایت می‌کند.

۱-۷. کفایت

بر اساس ظاهر اقوال فقهای امامیه، انجام طواف زیارت یا افاضه کفایت از طواف نساء نمی‌کند. این بدان معناست که شخص نمی‌تواند بدین دلیل که طواف زیارت را انجام داده است، اقدام به ترک طواف نساء نماید. در میان اهل سنت، بنا بر یکی از دو قولی که در مسئله وجود دارد، انجام طواف زیارت در آخرین مرحله می‌تواند مجزی و کفایت‌کننده از طواف وداع باشد (ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۳/۴۸۹). این فرض در صورتی می‌تواند صحیح باشد که حاجی سعی را پیش‌تر انجام داده باشد و تنها طواف زیارت را در مرحله آخر انجام دهد. استدلال این قول آن است که طبق روایت نبوی اثباتگر و جوب، طواف وداع باید آخرین عمل حاجی طواف خانه خدا باشد و در صورت انجام طواف زیارت هم، چنین کاری صورت گرفته و این امر امتثال شده است (همان). استدلال مخالفان این قول هم این است که دو طواف زیارت و وداع، دو طواف واجب هستند و هر کدام در جای خود ضرورت اجرا دارند و تعیین نیت نیز در هر کدام جداگانه لازم است؛ بنابراین با انجام یکی نمی‌توان حکم به کفایت از انجام دیگری کرد (همان). تفاوت دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که امامیه انجام طواف نساء را مجزی از طواف زیارت نمی‌داند؛ حال آنکه جمهور علمای اهل سنت قائل به کفایت طواف وداع از طواف زیارت هستند (زحیلی، بی تا، ۳/۵۱۶).

۱-۸. آثار

آثار مترتب بر طواف همچون هر عمل عبادی دیگری در دو قسم آثار اتیان و آثار ترک قابل پیگیری است؛ از این رو در این قسمت تفاوت‌های این دو طواف را از این دو منظر به بحث خواهیم گذاشت.

۱-۸-۱. آثار اتیان

مهم‌ترین تفاوت طواف نساء و وداع پس از تفاوت در عنوان، اختلاف در آثار مترتب بر آن دوست. این اختلاف باعث شده است تا برخی از بزرگان امامیه در نقد این احتمال که این دو طواف متحد و یگانه هستند، تنها و تنها به همین تفاوت در آثار مترتب بر هر یک از آن دو اشاره نمایند (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۲۵۵).

تمامی فقهای امامیه به جز ابن‌ابی‌عقیل عمانی (ابن‌ابی‌عقیل، ۱۴۱۳ق، ۳۴۷؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۳۰۱/۴؛ مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ۵/۴۷۴)، در این مطلب که حلیت بهره‌مندبهای جنسی در مناسک حج با انجام طواف نساء اتفاق می‌افتد، اتفاق نظر دارند (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۲۵۵؛ طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷ق، ۲/۳۶۳؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۷/۱۳۵؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۱/۳۳۶؛ سبزواری، ۱۲۴۷ق، ۲/۶۴۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۷/۲۸۳؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۳۰۱/۴؛ محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ۳/۵۸۹).

این مسئله مهم‌ترین اثری است که می‌توان آن را در شمار اثرهای انجام طواف نساء ذکر نمود. اهمیت این اثر و جایگاه آن نزد امامیه تا بدان جاست که نام و عنوان این طواف برگرفته از این اثر است.

از سوی دیگر در اهل سنت شاید بتوان مهم‌ترین اثر انجام طواف وداع را وداع و پایان اعمال دانست؛ از این رو چنانچه مشهود است، طواف وداع نقشی در حلیت محرّمات احرام و... ندارد. در حالی وداع با کعبه در اهل سنت به پشتوانه روایت نبوی معروف واجب گشته است که امامیه آن را امری مستحب می‌دانند. همین مسئله و نبودن اثری روشن و ملموس جز وداع با خانه خدا، باعث شده است که برخی از بزرگان فقه امامیه تلویحاً بر اهل سنت اشکال کنند که اگر این طواف واجب است، باید نقشی روشن‌تر در انجام مراسم حج و پایان محرّمات آن ایفا کند؛ حال آنکه شما خود اثر دیگری برای آن قائل نیستید (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۲۵۵).

به هر روی یکی دیگر از تفاوت‌های مهم میان این دو طواف که سهم زیادی در دوری و بعید انگاشتن وحدت این دو عمل داشته است، تفاوت در آثار انجام هر یک از آنهاست.

۱-۲-۸. آثار ترک

چنانچه پیش از این هم اشاره شد، در فقه امامیه انجام طواف نساء تا زمانی که حاجی به وطن بازگردد یا حتی بعد از آن، در صورتی که خود توانایی انجام دوباره مناسک را داشته باشد یا با گرفتن نایب، جایز است (حلبی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۵؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۲۰۴/۴)؛ از این رو واژه ترک درباره این طواف زمانی معنا خواهد داشت که آن را با اثر مترتب بر آن -که حلیت نساء است- مقایسه نماییم؛ به بیان روشن‌تر آن زمان می‌توان ادعای ترک طواف نساء به‌طورکلی نمود که شخص بهره‌مندیهای جنسی داشته یا اموری را که منحصراً با این طواف برای او حلال می‌گشته است، انجام داده باشد. در این صورت است که با صدق این عنوان و انجام یکی از آن محرّمات توسط شخص، او مأمور به پرداخت کفاره خواهد بود که در وطی عبارت از قربانی کردن یک شتر یا گاو است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۳۳۷/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۶۸۹/۱۳).

اما با بررسی و نگاهی محققانه‌تر، متوجه این مطلب خواهیم شد که این کفاره اثر ترک طواف نساء نیست؛ بلکه شخص این کفاره را در ازای انجام یکی از محرّمات احرام که ممکن است تا آن زمان هم ادامه پیدا کرده باشد، پرداخت خواهد نمود. شاهد بر این مدعا آن است که حاج و معتمر از ابتدای دخول در احرام و حتی زمانی که هنوز طواف نساء بر او واجب نگشته است، اگر به سراغ یکی از تمتعات جنسی برود، همین کفاره بر او لازم‌الاجرا خواهد بود؛ بنابراین می‌توان چنین ادعا نمود که در فقه امامیه بر ترک طواف نساء اثر مستقیمی مترتب نیست.

همین مسئله باعث شده است تا نگارنده فرضیه توقف وجوب طواف نساء به قصد بهره‌مندی از تمتعات جنسی را ارائه کند. از جمله مهم‌ترین نتایج پذیرش این فرضیه، عدم نیاز به انجام طواف

نساء و حکم به صحت حج در مورد کسی است که قصد استمتاع و بهره‌مندیهای جنسی و نظیر آن را پس از پایان مناسک حج خویش نداشته باشد.

اشکالی که دامنگیر این مطلب می‌شود، این است که در صورت پذیرش این فرضیه باید قائل شویم که طواف نساء برای شخصی که از همان ابتدا قصد بهره‌مندیهای جنسی را نداشته است، به‌طورکلی وجوب نخواهد یافت. این در حالی است که فقدان اثری وضعی همچون کفاره و... در صورت ترک این طواف نمی‌تواند نشانگر عدم وجوب آن باشد. از سوی دیگر در فقه اهل سنت، ترک طواف وداع با عبور حجاج از میقات یا حد ترخص مصداق پیدا می‌کند (انصاری، ۱۴۲۲ق، ۲۷۴/۶؛ شافعی، ۱۳۹۳ق، ۱۹۷/۲؛ ابن‌قدامه، ۱۴۰۵ق، ۴۸۹/۳؛ زحیلی، بی‌تا، ۵۱۹/۳). اثری که بر ترک طواف وداع در میان مذاهب اهل سنت که قائل به وجوب آن هستند، بیان شده، قربانی کردن یک گوسفند است (انصاری، ۱۴۲۲ق، ۲۷۴/۶؛ شافعی، ۱۳۹۳ق، ۱۹۷/۲؛ زحیلی، بی‌تا، ۵۱۹/۳).

بر فرض پذیرش مدعای فوق پیرامون طواف نساء و مترتب نبودن اثری مستقیم بر ترک این طواف، یکی از تفاوت‌های میان این دو طواف وجود کفاره در صورت ترک طواف وداع و عدم آن در صورت ترک طواف نساء است.

۲. شباهتها

۲-۱. عدم کفایت انجام طواف، پیش از فرارسیدن زمان وجوب

در امامیه زمان انجام طواف نساء پس از انجام مناسک طواف زیارت و نماز آن و سعی میان صفا و مروه و اعمال روز عید قربان است. تقدیم این طواف بر این اعمال در حالت اختیار و غیراضطرار، بنا بر نظر مشهور امامیه، جایز نیست (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۳۵۹/۱؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ۲۴۱؛ ابن‌حزمه، ۱۴۰۸ق، ۱۷۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۲۴۶/۱؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ۵۹۶/۱؛ حلی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۳/۸).

همچنین چنان‌که می‌دانیم، در اهل سنت پس از قصد شخص برای وداع با خانه کعبه طواف وداع واجب می‌گردد. این مسئله بازگشت به روایت نبوی دارد که مهم‌ترین دلیل اثبات وجوب این طواف در اهل سنت است. در این روایت، آخرین عمل وداع با خانه و مکه معرفی شده است. نوع بیان در این روایت باعث گشته است که فقهای اهل سنت برای انجام این طواف دقیقاً در هنگام وداع با خانه اهمیت ویژه‌ای قائل شوند و مقدم کردن آن را بر دیگر اعمال جایز ندانند. چنانکه آنان در فرضی که شخص پس از قصد ترک مکه و مسجدالحرام، اقدام به تجارت و خرید کند یا حتی اندکی صبر نماید و در روز بعد مکه را ترک کند، طواف وداع او را مجزی نمی‌دانند؛ چراکه

طواف او درست در هنگام وداع صورت نگرفته است (کاسانی، ۱۹۸۲م، ۴/۴۴۶؛ عیبه، ۱۴۰۹ق، ۱/۷۱۸؛ ابن‌قدمه، ۱۴۰۵ق، ۳/۴۸۹؛ زحیلی، بی‌تا، ۳/۵۲۰).

به هر روی چه در امامیه و چه در اهل سنت، در حالت عادی انجام طواف نساء و وداع پیش از زمان تعیین شده برای آنها مجاز و مکفی نیست.

۲-۲. موارد وجوب

یکی از مواردی که می‌تواند جایگاه وجود مشابهت‌هایی میان دو طواف نساء و وداع باشد، حج و عمره‌هایی است که هر یک از این دو طواف در پایان آنها واجب می‌گردند.

در امامیه، به اجماع علما، طواف نساء در تمامی اقسام سه‌گانه حج واجب است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱/۲۱۳ و ۲۴۶؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ۱/۳۲۶). در اهل سنت نیز در انواع حج‌های قرآن، افراد و تمتع طواف وداع واجب است، البته با فرض قصد خروج و وداع داشتن حجاج؛ چه اینکه چنانچه بارها بدان اشاره گشته است، طواف وداع در اهل سنت منوط به مسئله وداع و خروج از مکه است.

یکی دیگر از شباهت‌های فقه امامیه و اهل سنت در این قسمت این است که هر دو گروه، دو طواف نساء و وداع را در عمره تمتع واجب نمی‌دانند.

۲-۳. اصل وجوب و نوع آن

اولین مشابهت میان این دو طواف در این قسمت همان اصل وجوب این دو طواف است. هم در امامیه و هم در اهل سنت، اکثریت فقها قائل به وجوب طواف نساء و طواف وداع هستند.

همچنین امامیه قائل هستند که طواف نساء در پایان مناسک حج واجب است، اما این واجب از قسم واجبات رکن در حج نیست؛ از این رو ترک آن ضرری را متوجه تمامیت حج شخص مکلف نخواهد کرد (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ۵/۴۸۵؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ۲۹/۳۵۷).

در اهل سنت نیز، علی‌رغم قول به وجوب آن در میان حداقل سه تن از ائمه معروف اهل سنت، کسی آن را از جمله واجبات رکن در آیین حج نمی‌داند؛ از این رو در صورت ترک آن کسی حج شخص تارک را مخدوش یا باطل نمی‌انگارد. بر این اساس اولین شباهت میان این دو طواف در این بحث، اصل وجوب هر دو و پس از آن در رکن نبودن آن دو است.

با توجه به آنچه در قسمت تفاوت‌های نوع وجوب دو طواف نساء و وداع گفته شد، در امامیه زمان وجوب طواف نساء پس از انجام دیگر مناسک حج است؛ بنابراین زمان مشخص شده برای این طواف منوط به پایان مناسک پیشین است؛ این در حالی است که در اهل سنت زمان وجوب طواف وداع هنگام خداحافظی و وداع با خانه خداست. حال با توجه به این مطلب، اگر این نوع تعیین زمان را توقیت بدانیم، می‌توانیم هر دوی این طوافها را از قسم واجبه‌های موقت بدانیم؛ بدین ترتیب می‌توان گفت که یکی از شباهت‌های میان این دو طواف، موقت بودن وجوب آن دو است.

۲-۴. ادله

قرآن مهم‌ترین منبع استخراج احکام و قوانین شرعی و الهی، از ادله مشترک برای اثبات وجوب دو طواف نساء و وداع است. تنها آیه‌ای از قرآن کریم که مورد استناد هر دو گروه امامیه و اهل سنت قرار گرفته است، آیه ۲۹ از سوره مبارکه حج است که خداوند متعال در آن چنین می‌فرماید: «ثُمَّ لِيُقْضُوا لَهُمْ وَاِيَّاهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَ لِيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج، ۲۹): سپس باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه گرامی کعبه طواف کنند.

فقیهان امامیه در جهت اثبات وجوب طواف نساء، اگرچه عموماً خود به صورت مستقیم به آیات قرآن اشاره نکرده‌اند، از آن رو که بهترین مفسران و تبیین‌کنندگان قرآن را اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌دانند، با استناد به تفاسیر آنان، از این آیه برای مراد خویش بهره برده‌اند. شمار زیادی از مفسران امامی مذهب نیز تعبیر «وَلِيُطَوَّفُوا» در این آیه شریفه را به طواف نساء تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ۳/۴۵؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ۹/۲۹۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق، ۳۴۷). در میان فقیهان اهل سنت کسی همانند امامیه مستقیماً بدین آیه استناد نکرده است، اما بسیاری از مفسران اهل سنت عبارت «وَلِيُطَوَّفُوا» را به معنای طواف وداع دانسته‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۱۷/۱۹۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳/۱۵۳؛ قطب، ۱۴۱۲ق، ۴/۲۴۲۰). بر این اساس می‌توان یکی از نقاط مشترک میان دو طواف نساء در امامیه و وداع در اهل سنت را بهره‌مندی از دلیل مشترک که قرآن باشد، دانست.

۲-۵. آثار ترک

در میان آثار هر یک از دو طواف نساء و وداع در بخش آثار ترک این دو، می‌توان مواردی از تشابه را جستجو نمود که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

نخستین مشابَهتی که در زمره آثار ترک این دو طواف مشاهده می‌گردد، لزوم بازگشت و انجام آن است. هم در امامیه و هم در اهل سنت در صورتی که شخص از روی عمد یا جهل طواف نساء و وداع را انجام ندهد، موظف است برگردد و شخصاً آن را انجام دهد. هرچند این لزوم بازگشت در امامیه طبق یکی از دو قول (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ۴/۴۶۶) بدون حد و مرز زمانی و مکانی و در اهل سنت تا هنگام عبور از میقات یا حد ترخص شرعی ادامه دارد و پس از آن، این پرداخت کفاره است که بر عهده شخص می‌آید (ابن‌قدامة، ۱۴۰۵ق، ۳/۴۸۹؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ۶/۲۷۴؛ شافعی، ۱۳۹۳ق، ۲/۱۹۷؛ زحیلی، بی‌تا، ۳/۵۱۹).

قول دیگری که پیرامون زمان انجام طواف نساء در امامیه وجود دارد، پایان وقت انجام آن را انتهای ایام تشریق می‌داند (حلی، ۱۴۱۳ق، ۴/۲۰۴؛ کیدری، ۱۴۱۶ق، ۱۵۵).

لزوم پرداخت کفاره و قربانی کردن مورد دیگری است که می‌تواند به عنوان مشابَهت میان این دو طواف در صورت ترک هر یک از آن دو عنوان گردد. در امامیه اگر شخص به وطن بازگردد و

طواف نساء انجام نداده باشد و از التذاذات جنسی بهره گیرد، ملزم به پرداخت کفاره است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱/۳۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۱۳/۶۸۹)؛ اما در اهل سنت این کفاره به محض خروج از میقات و صدق عنوان ترک طواف وداع بر عهده شخص وارد می‌آید (ابن قدامه، ۱۴۰۵ق، ۳/۴۸۹؛ انصاری، ۱۴۲۲ق، ۶/۲۷۴؛ شافعی، ۱۳۹۳ق، ۲/۱۹۷؛ زحیلی، بی‌تا، ۳/۵۱۹).

نتیجه

۱. موارد یادشده گوشه‌ای از تفاوتها و شباهتهای میان دو طواف نساء در امامیه و وداع در اهل سنت از ابعاد گوناگون بود. از مرور مطالب ذکرشده چنین بر می‌آید که علی‌رغم وجود شباهتهایی در قسمت نحوه اجرای این دو طواف، شرایط و واجبات، عمومیت و جوب آن برای مکلفان، نوع و جوب و...، دو طواف نساء و وداع در زمینه‌های مختلف تفاوتهایی نیز با هم دارند.

۲. اختلاف در نام و عنوان، زمان شروع عمل، آخرین فرصت برای انجام عمل و زمان اجزاء، مکلفان دو طواف، و جوب در عمره مفرده، کفایت و آثار انجام و ترک برخی از این تفاوتها را تشکیل می‌دهد. در این میان، مهم‌ترین تفاوت میان این دو طواف که مانع از یگانه انگاشتن این دو طواف می‌گردد، تفاوت در آثار مترتب بر آنهاست؛ چه اینکه امامیه اثری همچون حلال شدن بهره‌مندیهای جنسی را برای طواف نساء جاری می‌دانند، حال آنکه اهل سنت چنین نتیجه‌ای را برای طواف وداع قائل نیستند؛ بنابراین نمی‌توان دو طواف نساء و وداع را یک عمل کاملاً یکسان تصور نمود. اگرچه این مطلب باعث بازماندن اهل سنت از دستیابی به آثار مورد نظر در طواف نساء نیست و یافتن رهیافتهایی بر کاکرد طواف وداع سنیان در حلیت زنان، حتی بر اساس باورهای فقهی شیعی، امکان‌پذیر است (ر:ک: مهریزی و هاشمی، ۱۳۹۴ش).

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی عقیل، حسن بن علی، *حیة ابن ابی عقیل و ققهه*، قم، مرکز معجم فقهی، ۱۴۱۳ق.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن حمزه، محمد بن علی، *الوسيلة الی نیل الفضیله*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۰۸ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستذکار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المعنی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵ق.
- استادی، رضا، «تحقیقی پیرامون کتاب فقه الرضا»، *مجله مشکوة*، شماره ۳، تابستان ۱۳۶۲ش.
- اشتهاوردی، علی پناه، *مدارک العروة*، تهران، دارالاسوه، ۱۴۱۷ق.
- انصاری، زکریا بن محمد، *اسنی المطالب فی شرح روض الطالب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- همو، فتح الوهاب شرح منهج الطلاب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- *البحوث العلمیه*، عربستان سعودی، رئاسة إدارة البحوث العلمیه والإفتاء، ۱۴۲۳ق.
- بخاری قنوجی، محمد صدیق خان، *الروضة التندیة شرح درر البهیة*، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحيح البخاری*، یمامه - بیروت، دار ابن کثیر، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الاربعة*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۶ق.
- جعفری شیره فرد، مصطفی، *درآمدی بر فقه مقارن*، تهران، معاونت امور روحانیون بعثه مقام معظم رهبری، تابستان ۱۳۸۸ش.
- حرّعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حسینی شاهرودی، سید محمود، *کتاب الحج*، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۰۲ق.
- حسینی شیرازی، سید محمد، *تبیین القرآن*، بیروت، دارالعلوم، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
- حلی، ابوالصلاح، *الكافی فی الفقه*، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیهم السلام، ۱۴۰۳ق.
- حلی، حسن بن یوسف، *إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- همو، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*، قم، مؤسسه امام صادق علیهم السلام، ۱۴۲۰ق.

- همو، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام ۱۴۱۴ق.
- همو، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- همو، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- حلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، قم، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- خویی، سیدابوالقاسم، موسوعة الامام خوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام خوئی علیهم السلام، ۱۴۱۸ق.
- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، بی تا.
- همو، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق - بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام ۱۲۴۷ق.
- همو، کفایة الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۳ق.
- سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
- شافعی، محمد بن ادريس، الام، بیروت، دارالمعرفه، ۳۹۳ق.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران؛ قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- همو، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- همو، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
- همو، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش.
- عثیمین، محمد بن صالح، شرح الممتع علی زاد المستقنع، بی جا، دارابن جوزی، ۱۴۲۸ق.
- عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام ۱۴۰۹ق.
- عیطة، حاجه دریه، فقه العبادات علی المذهب الشافعی، دمشق، مطبعة الصباح، ۱۴۰۹ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
- فقه الرضا، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام ۱۴۰۶ق.
- فلاح زاده، محمدحسین، مناسک حج ویزه بانوان، تهران، مشعر، ۱۳۷۸ش.

- فیروزآبادی شیرازی، ابراهیم بن علی، *التنبیه فی الفقه الشافعی*، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲م.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کیدری، محمد بن حسین، *اصباح الشیعه بمصباح الشریعه*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
- مازندرانی، محمدهادی بن محمدصالح، *شرح فروع الکافی*، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- مالک بن انس، *الموطأ*، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۳ق.
- مجلسی، محمدتقی، *لوامع صاحبقرانی*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- محقق داماد، سیدمحمد، *کتاب الحج*، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۰۱ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- مهریزی، مهدی؛ و هاشمی، سیدحامدحسین، «کاکرد طواف وداع سنیان در حلیت زنان از منظر فقه شیعی»، *مجله فقه و اصول*، شماره ۱۰۰، بهار ۱۳۹۴ش.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.